

## تصرفات فضولی ولی قهری در اموال مولی علیه

منیره حق خواه<sup>۱</sup>

### چکیده

در نظام حقوقی اسلام، کودک، سفیه و مجنونی که عدم رشد یا جنون او متصل به زمان کودکی باشد، تحت ولایت پدر و جد پدری قرار می‌گیرند؛ ولی قهری در کلیه امور مربوط به اموال و حقوق مالی مولی علیه خود نماینده قانونی او می‌باشد و نمایندگی او عام است و هر اقدامی را که به مصلحت مولی علیه بداند، می‌تواند، به نام او انجام دهد؛ همه این تصرفات مالی وی حتی بعد از رشد مولی علیه نفوذ حقوقی خواهد داشت و مولی علیه حق فسخ یا ابطال آن‌ها را ندارد؛ اما نفوذ تصرفات مالی ولی قهری مطلق نیست و در مواردی تصرفات وی فضولی محسوب می‌شود و به تبع، آثار حقوقی تصرفات فضولی بر آن مترتب می‌گردد. حق ابطال معامله توسط مولی علیه پس از رشد، حق رجوع مشتری به ولی قهری در بازگرداندن ثمن معامله و خسارات حاصل از فسخ معامله، از جمله این آثار است.

فقها و حقوقدانان درباره مصادیق تصرفات فضولی ولی اتفاق نظر ندارند؛ زیرا آنان در مورد شرایط مربوط به قلمرو ولایت ولی قهری اختلاف نظر دارند و دیدگاه‌های حاصل از این اختلاف، تعیین‌کننده محدوده تصرفات نافذ و غیرنافذ ولی قهری است. در مقاله حاضر ضمن تبیین این اختلاف، گستره تصرفات ولی قهری و همچنین تحلیلی از برخی مصادیق تصرفات فضولی ولی قهری ارائه می‌شود. و به تحلیل وجوه متعددی از ضمانت اجرای آثار مترتب بر تصرفات فضولی اشاره می‌گردد.

### واژگان کلیدی

ولی قهری، مصلحت، فضولی، مولی علیه، محجورین، تصرف نافذ

---

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خاوران

## مقدمه

بر اساس قوانین شرعی هیچ‌کس حق تصرف در مال دیگری را ندارد و نمی‌تواند برای دیگری تعهدی ایجاد نماید و یا مالش را به اشخاص دیگر انتقال دهد، مگر آن که از طرف مالک اذن داشته باشد (مانند وکیل) و یا مجاز از طرف قانون باشد (مانند ولی). معاملاتی که بدون داشتن اذن از طرف مالک یا بدون داشتن اذن از طرف شارع برای دیگری صورت گیرد، معاملات فضولی نام دارند. هرگاه کسی بدون داشتن سمت نمایندگی در اموال دیگران تصرف نماید، تصرف وی فضولی خواهد بود. همچنین هرگاه کسی با وجود سمت نمایندگی در اموال مالک تصرفی نماید که خارج از محدوده نمایندگی او باشد، تصرفش فضولی خواهد بود. بنابراین ولی قهری می‌تواند در اموال مولی‌علیه و به غبطه او تصرف نماید، زیرا از طرف شارع نماینده عام اوست؛ اما هرگاه تصرفات ولی به زیان مولی‌علیه باشد، تصرفاتش خارج از حوزه نمایندگی او و فضولی خواهد بود، زیرا اذن شارع برای سمت ولایت، محدود به رعایت مصلحت مولی‌علیه است و تصرف زیان‌بار در محدوده این اذن نیست.

بررسی موضوع «تصرفات فضولی ولی قهری» مستلزم آن است که ضمن طرح کلیاتی از هر دو بحث «معامله فضولی» و «ولایت قهری»، به تحلیل معیارهای تفکیک تصرفات نافذ از تصرفات فضولی ولی قهری و همچنین تبیین برخی مصادیق آن بپردازیم. این مقصود با عطف به مطالب پراکنده فقهی و حقوقی و نقد آن‌ها حاصل می‌شود و در نهایت برخی زیرساخت‌های لازم برای تکامل قوانین مدنی در حوزه ولایت قهری آشکار می‌گردد. بدین منظور مطالب این مقاله را در چهار قسمت پی می‌گیریم:

### ۱- تصرف فضولی

یکی از شرایط صحت معامله آن است که طرفین معامله هر دو مالک یا مأذون از طرف مالک باشند یا ولایت شرعی بر تصرف داشته باشند؛ در غیر این صورت معامله مال دیگران جایز نیست. بر اساس این شرط، در مباحث فقهی و حقوقی معاملات، مسئله

معامله فضولی مطرح می‌شود که ابعاد فقهی آن به تفصیل در مبحث «بیع» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فضولی در لغت به معنی کسی است که به کاری که به وی ارتباطی ندارد، مشغول است (مقرئ فیومی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۷۵) و در اصطلاح فقهی به کسی گویند که بدون اذن شرعی در مال دیگری تصرف نماید (عبدالرحمان، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۱۱).

در معامله فضولی، شخص فضول بدون داشتن سمت نمایندگی یا اذن از طرف اصیل، اقدام به ایجاد رابطه حقوقی بین اصیل و غیر می‌نماید و چون پیدایش رابطه مزبور متفرع بر وجود رابطه‌ای حقوقی (مانند وکالت) بین فضول و مالک است و این رابطه موجود نیست، بنابراین رابطه دوم هم که معامله باشد، نباید ایجاد شود.

اما در مورد ایجاد این رابطه، بین فقها اختلاف نظر وجود دارد.<sup>۱</sup> برخی از فقها معتقدند که این رابطه ایجاد نمی‌شود و عقد فضولی باطل است (طوسی، ۱۴۰۷ هـ ج ۳، ص ۱۶۸؛ طبرسی، ۱۴۱۰ هـ ج ۱، ص ۵۱۹) و در مقام استدلال به دلایل مختلفی استناد کرده‌اند از جمله این‌که، فضولی که هیچ‌گونه اذن، وکالت و ولایت شرعی ندارد، نمی‌تواند قصد انشای جدی کند و انشای او، عبث خواهد بود و چون دلیلی بر صحت آن وجود ندارد، معامله وی مشمول عموماتی مانند «أحلَّ الله البيع» و «أوفوا بالعقود» نمی‌شود، بلکه مشمول اصله الفساد در معاملات است. از طرفی در روایات وارده شده مبنی بر این‌که «لا بیع إلا فی ملک»<sup>۲</sup>، نهی کنایه از عدم سلطه بایع غیر مالک بر مال است و چون فضولی بر مال مردم سلطه ندارد، حق فروش آن را هم ندارد.<sup>۳</sup>

در مقابل، برخی از فقها ادعای اجماع بر صحت آن نموده‌اند (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲۲، ص ۲۷۳) و فقهای بزرگی نظیر شیخ انصاری معتقدند که معامله فضولی باطل نیست و قابلیت تنفیذ را دارد و صرفاً در صورت رد اصیل باطل خواهد بود. ایشان برای اثبات صحت نظر

---

۱- بنگرید به: رشتی کیلانی نجفی، بی‌تا، ص ۱۳۵.

۲- بروجردی، آقا حسین بی‌تا، ج ۲۲، ص ۸۱۸.

۳- بنگرید به: بحرانی آل عصفور، ۱۴۰۵ هـ ج ۱۸، ص ۲۷۷-۲۷۸، همچنین حق پناه، ۱۳۸۶، شماره ۲۶.

خود به دلایلی مانند عمومات صحت بیع و اجماع استناد کرده‌اند و در عین حال ادله قول مخالف را نیز رد کرده‌اند (نصاری، ۱۴۱۱هـ.ج، ۱، ص ۴۷۱-۴۷۶).

کسانی که صحت عقد فضولی را پذیرفته‌اند، در مورد صحت ایقاع فضولی اختلاف دارند. برخی معتقدند، ایقاع فضولی نیز مانند عقد فضولی صحیح است (بحرالعلوم، ۱۴۰۳هـ.ج، ۳، ص ۱۳؛ موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۳۷) و برخی بر بطلان ایقاع فضولی ادعای اجماع کرده‌اند (نصاری، ۱۴۱۱هـ.ج، ۱، ص ۴۶۹).

قانون مدنی در مورد معاملات فضولی دیدگاه دوم را پذیرفته و آن را باطل ندانسته است. ماده ۲۴۷ می‌گوید: «معامله به مال غیر جز به عنوان ولایت یا وصایت یا وکالت نافذ نیست ولو این‌که صاحب مال باطناً راضی باشد؛ ولی اگر مالک یا قائم مقام او پس از وقوع معامله، آن را اجازه نمود، در این صورت معامله صحیح و نافذ می‌شود».

برخی حقوقدانان در تحلیل حقوقی حکم این ماده و توجیه صحت معامله فضولی گفته‌اند: «عقد مرکب از قصد انشا و رضای طرفین می‌باشد، اگرچه قصد انشا به وسیله دیگری به عمل آید، در معامله فضولی قصدی که به وسیله شخص فضول که هیچ سمتی در معامله ندارد به عمل می‌آید. استخوان‌بندی معامله را ایجاد می‌کند. تکمیل آن و تحقق معامله احتیاج به جزء دیگری دارد که رضا می‌باشد. رضا ناچار باید به وسیله غیر که مالک یا متعهد است، به عمل آید و با پیوست نمودن آن به قصد انشای فضول، عقد کامل و مؤثر خواهد شد. این امر کاملاً شبیه به معامله مکره است که پس از رفع اکراه، به عقد رضایت می‌دهد.

رضایت گاه قبل از قصد انشا حاصل می‌شود و ادامه پیدا می‌کند تا قصد انشا محقق گردد و گاه رضایت پس از قصد انشا به وجود می‌آید؛ چنان‌که در مورد مکره است که آن را اصطلاحاً اجازه می‌گویند و هرگاه قبل از معامله باشد، اذن نامند. در صورتی که غیر (متعهد یا مالک) آن را رد نماید قصد انشا بلااثر می‌شود و معامله فضولی کان لم یکن می‌گردد» (مامی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۹۹).

در این مقاله با توجه به مستندات مشهور، صحت تصرفات فضولی را مفروض می‌گیریم و بررسی اقوال و مستندات آن را به جای خود وا می‌نهمیم.

صحت معاملات فضولی احکامی را به تبع خود می‌آورد که در کتب فقها و حقوقدانان به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است و ما در این جا به برخی از احکامی که بیان‌گر مسئولیت‌های ناشی از تصرف فضولی است و مورد پذیرش قانون مدنی است، اشاره می‌نماییم تا زمینه تطبیق آن در تصرفات فضولی ولی قهری فراهم شود.

مهم‌ترین حکم معامله فضولی آن است که معامله فضولی غیرنافذ است؛ در صورت امضای مالک اصلی تنفیذ خواهد شد و در صورت رد وی معامله باطل خواهد گشت (ماده ۲۴۷ قانون مدنی). حال هرگاه مالک اصلی معامله را اجازه دهد و یا رد نماید، انتقال ملکیت از زمان عقد خواهد بود و اگر معامله را رد نماید نیز، معامله از هنگام عقد باطل خواهد شد (ماده ۲۵۸ قانون مدنی).

این حکم آثار خاص خود را به همراه خواهد داشت. هرگاه شخص فضولی مالی را که موضوع معامله بوده است، به تصرف طرف معامله داده باشد و مالک آن معامله را اجازه نکند، متصرف ضامن عین و منافع است (ماده ۲۵۹ قانون مدنی) و در صورتی که مبیع فضولی به تصرف مشتری داده شود، هرگاه مالک معامله را اجازه ننماید، مشتری در مقابل اصل مال و منافع مدتی که در تصرف او بوده، ضامن است؛ اگرچه منافع را استیفا نکرده باشد. همچنین است درباره هر عیبی که در مدت تصرف مشتری حادث شده باشد (ماده ۲۶۱ قانون مدنی).

از سویی هرگاه مالک معامله را اجازه نکند و مشتری هم بر فضولی بودن آن جاهل باشد، حق دارد که برای ثمن و کلیه غرامات به بایع فضولی رجوع کند و در صورت عالم بودن فقط حق رجوع برای ثمن را خواهد داشت (ماده ۲۶۲ قانون مدنی).

همچنین از آثار صحت معامله فضولی آن است که حق اجازه یا رد معامله فضولی در صورت موت مالک قبل از اعلام اجازه یا رد، به وارث او اعطا خواهد شد (ماده ۲۵۳ قانون مدنی).

## ۲- معیارهای تعیین‌کننده تصرفات نافذ از تصرفات فضولی ولی قهری

شریعت اسلام برای حمایت از افراد محجوری چون کودک، مجنون یا سفیهی که جنون

یا سفاهت آنها متصل به صغر آنهاست، پدر و جد پدری را ولی قهری قرار داده است (ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی)، ولی قهری در کلیه امور مربوط به مولی‌علیه از جمله اموال و حقوق مالی او نماینده قانونی می‌باشد و نمایندگی او عام است و هر اقدامی را که به مصلحت مولی‌علیه بداند، می‌تواند به نام او انجام دهد. وی می‌تواند اموال منقول و غیرمنقول او را بفروشد، اجاره دهد، ودیعه یا رهن گذارد و یا برای او قرض بگیرد. همه این تصرفات مالی حتی بعد از رشد مولی‌علیه نیز نفوذ حقوقی دارد و مولی‌علیه حق فسخ یا ابطال آنها را ندارد. اما ثبوت و استمرار ولایت قهری مشروط به شرایطی است که فقدان آنها سمت نمایندگی را از ولی می‌ستاند و تصرفات وی را فاقد نفوذ می‌کند.

تعیین معیارهای تصرفات نافذ از تصرفات غیرنافذ در حوزه ولایت ولی قهری مستلزم آن است که قیود ولایت ولی را مشخص نماییم. بدین منظور قیود ولایت را از سه جنبه مورد بررسی قرار می‌دهیم:

#### الف - قید ثبوت ولایت قهری

بنابر اجماع فقها، در صورتی که مولی‌علیه مسلمان باشد، باید پدر و جد پدری نیز مسلمان باشند تا از سمت ولایت برخوردار شوند (بحرانی آل عصفور، ۱۴۰۵هـ ج ۲۳، ص ۲۶۷). بنابراین کافر بر مسلمان ولایتی ندارد تا تصرفاتش در مورد اموال او نافذ باشد و همچنین پدر و جد پدری در صورتی بر فرزند خود ولایت دارند که خود به سبب جنون یا سفه محجور نباشند<sup>۱</sup>. بنابراین، حجر آنها نیز خود موجب سقوط ولایت و مانع نفوذ تصرفاتشان است. قانون مدنی در مورد شرط اول بیانی ندارد، ولی شرط دوم را در ماده ۱۱۸۲ قانون مدنی تصریح کرده است.

شرط دیگری که در فقه به عنوان شرط ثبوت ولایت مطرح است، شرط عدالت است. فقها در مورد شرط بودن این صفت اختلاف نظر دارند. بسیاری از فقها معتقدند که عدالت در ثبوت ولایت شرط نیست، زیرا این سمت با نص و اجماع برای پدر و جد پدری ثابت شده است، گرچه هرگاه وی در اعمال ولایتش مرتکب فسق شود و حقوق طفل را تضییع نماید، حاکم وی را عزل خواهد نمود (کرکی، ۱۴۱۴هـ ج ۱۱، ص ۲۷۶؛ بحرانی آل عصفور، ۱۴۰۵هـ

---

۱- موسوی خویی، ۱۴۱۸هـ ج ۲۳، ص ۲۵۰؛ شیرازی، انصاری و دیگر پژوهشگران، ۱۴۲۹هـ ج ۱، ص ۶۵۳.

ج ۲۰، ص ۲۷۶). اما برخی از فقها در این مسئله توقف کرده‌اند. مرحوم علامه پس از آن که عدالت را در مورد وصی شرط می‌داند، می‌گوید شرط بودن عدالت برای ولایت پدر و جد پدری محل اشکال است (حلی، ۱۳۱۴ هـ ج ۲، ص ۵۶۴)، و برخی نیز معتقدند احتیاط آن است که عدالت در مورد وصی شرط باشد و در این مسئله فرقی بین ولی با وصی وجود ندارد (اردبیلی، ۱۴۰۳ هـ ج ۹، ص ۲۳۵).

ثمره این اختلاف در تعیین مصادیق تصرفات فضولی پدر و جد پدری آشکار است؛ بر اساس دیدگاه کسانی که عدالت را شرط می‌دانند، همه تصرفات پدری که فاسق است فضولی است، زیرا ثبوت ولایت با عنوان «پدری» حاصل نمی‌شود، بلکه وصف عدالت نیز باید در وی وجود داشته باشد و در غیر این صورت پدر یا جد پدری اذن شارع را در این نمایندگی عام نخواهند داشت؛ اما بنابر دیدگاه اول که ثبوت ولایت، مطلق است و عدالت شرط نیست، اصل بر این است که تصرفات ولی نافذ است. قانون مدنی از این دیدگاه تبعیت کرده و عدالت را شرط ثبوت ولایت ندانسته است (ماده ۱۱۸۱ قانون مدنی).

به نظر می‌رسد حکمت جعل ولایت و تحقق اهداف شارع با وجود این شرط محقق می‌شود، ولی دیدگاه قانون مدنی و مبنای فقهی آن صحیح است، زیرا علاوه بر اطلاق ادله، دلیل عقلی قبح اختلال نظام نیز در این جا قابل استناد است، زیرا در صورتی که شرط ثبوت ولایت، عدالت باشد، در جوامعی که بسیاری از پدرها فاسقند، حق اعمال ولایت در اموال فرزندانیشان را نخواهند داشت و حاکم مسلمین باید عهده‌دار امور این کودکان باشد. این تکلیف مشکلات متعددی را در جامعه به وجود آورده، نظام جامعه را مختل خواهد ساخت.

#### ب - قید «مصلحت» یا «عدم مفسده» در تصرفات ولی قهری

پس از اثبات ولایت برای ولی قهری معیار دیگری که باید مورد بررسی قرار گیرد، این است که نفوذ تصرفات ولی مشروط به چیست؟ در کتب فقهی در این زمینه دو دیدگاه وجود دارد:

**دیدگاه اول:** برخی فقها معتقدند تصرفات ولی در صورتی نافذ است که صرفاً برای مولی‌علیه زیان‌بار نباشد و مصلحت داشتن تصرف، ضروری نیست<sup>۱</sup>. استدلال این دیدگاه آن است که ادله‌ای که تصرفات ولی در مال فرزند را به طور مطلق نافذ می‌دانند و قید «مصلحت» یا «فقدان مفسده» را طرح نمی‌نمایند (حر عاملی، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۱۹۴، باب ۷۸ من أبواب ما یکتسب به، ح ۱)<sup>۲</sup>، باید به سایر ادله عقلی و شرعی مقید شوند. در نتیجه، لازم است صرفاً تصرفات غیر زیان‌بار ولی را نافذ دانست. در برخی از این روایات آمده است که پدر حق ندارد بیش از مالی که به آن نیازمند است، از مال فرزند بردارد، زیرا خداوند فساد را دوست ندارد (همو، ص ۱۹۵، باب ۷۸ من أبواب ما یکتسب به، ح ۲)<sup>۳</sup>.

بر اساس این دیدگاه، هرگاه ولی تصرفی زیان‌بار در اموال مولی‌علیه بنماید، تصرف او نافذ نخواهد بود و تصرف وی فضولی خواهد بود.

**دیدگاه دوم:** برخی معتقدند نفوذ تصرفات ولی مشروط به وجود مصلحت است و در صورتی تصرف وی نافذ است که علاوه بر زیان‌بار نبودن فعل، مصلحتی نیز در آن وجود داشته باشد. بنابراین تصرفات فاقد مصلحت نافذ نخواهد بود (کبیری، ۱۴۱۶هـ ص ۲۹۶؛ مکی عاملی، ۱۴۱۰هـ ص ۱۳۰).

این دیدگاه نیز مستدل به دلایل متعددی است، از جمله این‌که غرض جعل ولایت، جلب مصلحت و حفظ منافع مولی‌علیه است و نافذ دانستن تصرفات خالی از مصلحت، نقض غرض مولاست (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۰۰). لازم به ذکر است فقهایی که قائل به این دیدگاه هستند، معتقدند تصرفات فاقد مصلحتی که ولی به نفع غیر انجام می‌دهد، نافذ نیست ولی تصرفات فاقد مصلحتی که ولی برای رفع نیاز خود انجام می‌دهد (مثلاً برای خود از مال طفل قرض می‌کند) نافذ است (همو، ص ۲۱۰). ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی می‌گوید: «هرگاه ولی

---

۱- انصاری، ۱۴۱۵هـ ج ۳، ص ۳۳۱.

۲- کصیحیه محمد بن مسلم، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سأنته عن الرجل يحتاج إلى مال ابنه؟ قال: يأكل منه ما شاء من غير سرف. و قال: في كتاب علي عليه السلام إن الولد لا يأخذ من مال والده شيئاً إلا بإذنه، و الوالد يأخذ من مال ابنه ما شاء.

۳- صحیحہ ابي حمزه الثمالی، عن أبي جعفر عليه السلام إن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال لرجل: «أنت و مالك لأبيك»، ثم قال أبو جعفر عليه السلام: «أن يأخذ من مال ابنه إلا ما احتاج إليه مما لا بد منه، إن الله لا يحب الفساد».



قهری طفل، رعایت غبطه صغیر را ننماید و مرتکب اقداماتی شود که موجب ضرر مولی‌علیه شود، به تقاضای یکی از اقارب وی و یا به درخواست رئیس حوزه قضایی پس از اثبات دادگاه، ولی مذکور را عزل و از تصرف در اموال صغیر منع و برای اداره امور مالی طفل فرد صالحی را به عنوان قیم تعیین می‌نمایند...» (اصلاحی ۱۳۷۹/۲۱).

بر اساس این ماده «عدم رعایت غبطه صغیر»، به «اقدام ولی به ضرر مولی‌علیه» معنا شده است و بنابراین می‌توان گفت قانون مدنی از دیدگاه اول فقهی تبعیت کرده و صرفاً اقداماتی را که به ضرر مولی‌علیه باشد، خلاف غبطه مولی‌علیه دانسته است؛ لذا قلمرو اعمال ولایت را محدود به «جلب مصلحت» نمی‌نماید.

در هر صورت، هریک از این مبانی دایره خاصی از تصرفات فضولی ولی قهری را تعیین می‌کند. بر اساس دیدگاه اول، تصرفاتی که به مصلحت مولی‌علیه نباشد و همچنین تصرفاتی که نه به مصلحت و نه به زیان مولی‌علیه باشد نیز فضولی است. البته اگر ولی تصرفی غیر زیان‌بار برای مولی‌علیه و به نفع خود بنماید، تصرف وی فضولی نخواهد بود؛ اما بر اساس دیدگاه دوم، صرفاً تصرفاتی که به زیان مولی‌علیه باشد، فضولی خواهد بود و دایره تصرفات فضولی ولی تنگ‌تر است.

به نظر نگارنده، با توجه به مستندات ذکر شده در هر دو دیدگاه، قدر متیقن از تصرفات نامشروع ولی، تصرفاتی است که فساد و زیانی را برای مولی‌علیه به همراه داشته باشد، زیرا در نصوص، سخنی از ضرورت تأمین مصالح مولی‌علیه به میان نیامده است و استناد به این دلیل که نافذ دانستن تصرفات خالی از مصلحت نقض غرض است، استدلال عقلی صحیحی نیست، زیرا غرض از جعل ولایت، حفظ منافع مالی مولی‌علیه است و تصرف خالی از سود و زیان، تصرفی منافی با این غرض نمی‌باشد.

### ج - قید «غبطه واقعی» یا «غبطه احرازی ولی قهری»

مبنای دیگری که تعیین‌کننده ضابطه بین تصرفات نافذ از غیرنافذ است، این است که مقصود از غبطه مولی‌علیه چیست؟ آیا مصلحت و عدم مفسده واقعی شرط نفوذ تصرفات ولی است، یا مصلحت و عدم مفسده‌ای که ولی آن را غبطه مولی‌علیه تشخیص دهد، ولو آن‌که خلاف واقع باشد، معیار نفوذ تصرفات اوست؟ در این زمینه نیز اختلاف نظر وجود

دارد. برخی فقها غبطه واقعی را ملاک می‌دانند و معتقدند اگر ولی غبطه مولی‌علیه را برخلاف واقع تشخیص دهد، تصرف وی فضولی خواهد بود (بحر العلوم، ۱۴۰۳ هـ ج ۳، ص ۲۷۰-۲۷۳) و برخی معتقدند اگر ولی با علم به این‌که تصرف وی دارای مفسده است و به اموال مولی‌علیه ضرر می‌زند، اقدام به فعلی نماید که اتفاقاً به ضرر مولی‌علیه نباشد، تصرف وی نافذ است؛ زیرا در واقع مفسده‌ای در کار نبوده است. همچنین اگر ولی با علم به این‌که تصرف وی فاقد مفسده است، اقدام به فعلی نماید و بعد معلوم شود که واقعاً تصرف وی برای مولی‌علیه مضر بوده است، تصرف وی نافذ است. بنابراین تصرفات ولی در صورتی نافذ نیست که هر دو امر منتفی باشد، یعنی تصرف واقعاً مفسده داشته باشد و ولی نیز به وجود مفسده علم داشته باشد» (خویی، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۲۴).

اما قانون مدنی در این زمینه تصریحی ندارد و حقوقدانان نیز در این مسئله اختلاف نظر دارند. برخی معتقدند اگر ولی در تمیز مصلحت مولی‌علیه اشتباه کند، معامله وی فضولی خواهد بود، زیرا ولی باید غبطه واقعی مولی‌علیه را رعایت نماید (مامی، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۱۳) و در مقابل، برخی معتقدند که اگر معامله در حدود متعارف انجام شود و ولی قهری اهتمام لازم را در حفظ حقوق مولی‌علیه معمول داشته باشد، اعتقاد به نفوذ معامله رجحان دارد، زیرا تعهد ولی قهری در این باب از نوع تعهدات به وسیله است نه تعهد به نتیجه و غیرنافذ شناختن معامله ولی قهری برای طرف او زیان نامتعارفی به وجود می‌آورد (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ص ۲۲۴-۲۲۵).

به نظر نگارنده، دیدگاه اخیر حقوقی و همچنین دیدگاه محقق خویی (ره) صحیح است، زیرا نصوص روایی تصریحی در این موضوع ندارند؛ اما در این زمینه می‌توان به دلیل عقلی به عنوان یک مستند فقهی اشاره کرد. بر اساس این دلیل، غرض از جعل قید «غبطه» این است که از حقوق مالی مولی‌علیه حمایت شود. حال اگر تصرفاتی که ولی با اهتمام کامل (در تشخیص غبطه مولی‌علیه) انجام می‌دهد و پس از مدتی معلوم می‌شود خلاف واقع است، نافذ نباشند و با ابطال آن‌ها به طرف مقابل خساراتی تحمیل شود، نتیجه‌اش کاهش رغبت دیگران در اقدام به معاملاتی است که مربوط به مولی‌علیه است، زیرا کسی که طرف معامله ولی قرار می‌گیرد، همواره خود را در این مخاطره می‌بیند که ممکن است

ولی طفل علی‌رغم تلاش برای تشخیص مصلحت او، توفیقی نداشته باشد و پس از مدتی معامله در معرض انفساخ قرار گیرد. علاوه بر این، همواره خوف «خلاف واقع بودن» غبطه‌ظاهری معامله، ولی را دچار احتیاط‌های بیش از حد در انجام وظایفش می‌کند و در نهایت، نقض غرض بر این حکم مترتب می‌شود. بنابراین باید گفت صرفاً تصرفاتی فضولی است که ولی بداند خلاف غبطه است و واقعاً نیز چنین باشد.

### ۳- مصادیقی از تصرفات فضولی ولی قهری

#### الف - تصرف فضولی در حوزه استیفای حقوق مولی‌علیه

گاه لازم است ولی در اداره اموال مولی‌علیه به منظور استیفای حقوق او تصرفاتی کند. حق شفعه و حق خیار نمونه‌هایی از حقوقی است که گاه به مولی‌علیه تعلق می‌گیرد و متولی استیفای این حقوق، ولی است. ماده ۸۰۸ قانون مدنی می‌گوید: «هرگاه مال غیرمنقول قابل تقسیمی بین دو نفر مشترک باشد و یکی از دو شریک حصه خود را به قصد بیع به شخص ثالثی منتقل کند، شریک دیگر حق دارد قیمتی را که مشتری داده است به او بدهد و حصه مبیعه را تملک کند. این حق را حق شفعه و صاحب آن را شفیع می‌گویند». طبق ماده ۸۲۱ قانون مدنی: «حق شفعه فوری است». یعنی پس از آن‌که شریک از وجود چنین حقی مطلع شود، می‌تواند در مدتی که عرفاً برای اخذ به شفعه لازم است، حق خود را اعمال نماید و در صورت تأخیر در تملک مبیع، حق وی ساقط می‌گردد؛ زیرا حق اخذ به شفعه برای جلوگیری از ضرری است که متوجه شفیع می‌شود و جواز مهلت داشتن وی بیش از زمانی که برای اعمال این حق لازم است، موجب ضرر مشتری خواهد بود.

چگونگی اعمال این حق و فوریت آن برای فرد غیرمجبوری که خود می‌تواند استیفای حق نماید روشن است؛ اما در مورد کسانی که به دلیل حجر نمی‌توانند حقوق خود را فوراً استیفا نمایند، چگونه است؟

فقهای امامیه تصریح کرده‌اند که حق شفعه به صغیر نیز تعلق می‌گیرد و به جای او متولی امور او حق دارد که با وجود غبطه اخذ به شفعه نماید (طوسی، ۱۴۰۰هـ ص ۴۲۴؛ حلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۴۶؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹هـ ج ۳، ص ۱۴۲).

البته برخی بین ولی و وصی تفاوت گذارده‌اند به این‌که ولی می‌تواند با وجود مصلحت یا در صورت فقدان مفسده، اخذ به شفعه نماید؛ حال آن‌که وصی صرفاً در صورت وجود مصلحت می‌تواند اخذ به شفعه نماید (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۵۷، م ۱۱).

در صورت ثبوت حق شفعه برای مولی‌علیه، صور مختلفی از عملکرد ولی متصور است که تفکیک به آن‌ها را ذکر می‌کنیم:

**- ترک مطالبه شفعه توسط ولی:** هرگاه ولی پس از ثبوت حق شفعه برای مولی‌علیه، اخذ به شفعه نکند و به عبارتی به شرکت جدید راضی شود، سه فرض ممکن است محقق گردد:

اول - اگر ولی با وجود مصلحت، از اعمال حق شفعه اجتناب کند، حق شفعه مولی‌علیه ساقط نخواهد شد و مولی‌علیه پس از رفع حجر حق دارد اخذ به شفعه نماید. تأخیری که در این فاصله موجب ضرر مشتری می‌شود، مانعی برای اعمال این حق نیست، زیرا تأخیر مولی‌علیه در اعمال این حق از روی عذر است و از طرفی گذشت ولی از اخذ به شفعه به مصلحت مولی‌علیه نیست و به منزله تصرف فضولی است و مولی‌علیه می‌تواند پس از حجر، آن را تنفیذ کند یا ابطال نموده، اخذ به شفعه کند.

مرحوم صاحب جواهر این حکم را حتی در مورد تجدیدنظر ولی در اخذ به شفعه ثابت می‌داند و معتقد است اگر ولی (با وجود مفسده در بقای شرکت) اخذ به شفعه ننماید، اثری بر این ترک مترتب نیست و وی می‌تواند پس از مدتی مجدداً تصمیم خود را تغییر دهد و اخذ به شفعه نماید، زیرا حق شفعه با تقصیر وی ساقط نشده است (نجفی، بی‌تا، ج ۳۷، ص ۲۹۱).

دوم - هرگاه ولی از حق شفعه بگذرد و این گذشت برای مولی‌علیه مفسده‌ای نداشته باشد، وی نمی‌تواند پس از رفع حجر مطالبه شفعه نماید، زیرا ولی در انجام وظایف خود کوتاهی نکرده است (کرکی، ۱۴۱۴هـ ج ۶، ص ۳۶۷).

سوم - اگر ولی اخذ به شفعه نکند و بعد از رفع حجر معلوم نباشد که آیا این گذشت به مصلحت مولی‌علیه بوده است یا نه، برخی از فقها معتقدند حق شفعه ساقط خواهد شد و مولی‌علیه پس از حجر حق مطالبه شفعه را ندارد، زیرا مطالبه شفعه متفرع بر ثبوت شفعه است و در این فرض، شفعه در صورتی ثابت می‌شود که مصلحت اخذ به شفعه (و تقصیر ولی در رعایت مصلحت) ثابت شود و وقتی چنین مصلحتی ثابت نشود، شفعه نیز ثابت نمی‌گردد (همو؛ جبعی عاملی، ۱۴۱۰هـ ج ۴، ص ۴۰۱).

در نقد این فتوا می‌توان گفت، حق شفعه برای محجور با تحقق بیع ثابت می‌شود و گذشت ولی از این حق در صورت وجود مصلحت، موجب سقوط حق شفعه خواهد شد. در چنین فرضی که وجود مصلحتی که مسقط این حق باشد مورد تردید است، اقتضای اصل استصحاب این است که حق شفعه باقی باشد. بنابراین نمی‌توان به خاطر تردید در وجود مصلحت، حق شفعه را منتفی دانست؛ اما از آنجا که اصل بر امین بودن ولی است مگر آن‌که خلاف آن ثابت شود، بار دلیل این ادعا که ولی خلاف مصلحت عمل کرده باشد، به عهده مدعی است. بنابراین نمی‌توان با استصحاب حق شفعه، مولی‌علیه را بی‌نیاز از اقامه بینه دانست.

**- اعمال حق شفعه توسط ولی:** هرگاه ولی پس از ثبوت حق شفعه برای مولی‌علیه،

اخذ به شفعه نماید نیز سه فرض ممکن است محقق شود:

اول - اگر اعمال حق شفعه توسط ولی، خلاف مصلحت مولی‌علیه باشد، تصرف مالی ولی نافذ نیست و خرید سهم شریک، فضولی خواهد بود و مولی‌علیه پس از حجر حق دارد این معامله را اجازه ندهد و به شراکت جدید رضایت دهد و عوضی را که برای این معامله به مشتری داده شده است، مطالبه نماید (حلی، ۱۴۱۳هـ ج ۲، ص ۲۴۴؛ کرکی، ۱۴۱۴هـ ج ۷، ص ۳۶۷).

فضولی بودن این معامله به دلیل آن است که ولی در محدوده اذن شرعی عمل نکرده و حق شفعه‌ای خلاف مصلحت اعمال نموده است.

دوم - اگر اعمال حق شفعه توسط ولی خلاف مصلحت مولی‌علیه نباشد، تصرف مالی

ولی نافذ است و مولی‌علیه پس از حجر حق ابطال آن را ندارد.

سوم - اگر خلاف مصلحت بودن اعمال حق شفعه مجهول باشد، بنابر اصل امین بودن ولی، تصرفش نافذ است و مولی‌علیه صرفاً در صورت اثبات تقصیر ولی می‌تواند معامله را فضولی فرض کرده، آن را ابطال نماید.

همه فروعی که در مورد حق شفعه بیان شد، در مورد استیفای سایر حقوق مانند حق خیار عیب، خیار رویت و خیار غبن نیز متصور است و چنانچه ولی با وجود مصلحت در فسخ معامله، به آن اقدام نکند و به معامله ملتزم شود، حق مولی‌علیه تا زمان پس از حجر باقی خواهد ماند، زیرا التزام ولی به منزله تصرف فضولی است.

#### ب - تصرفات مالی ولی در انعقاد عقود

- **بیع:** غرض جعل ولایت برای ولی قهری، تأمین مصالح مولی‌علیه است و این غرض در غالب موارد از طریق عقد بیع محقق می‌شود. در فقه امامیه خرید یا فروش اموال مولی‌علیه باید به غبطه او باشد و بر این اساس در برخی موارد، بیع اموال مولی‌علیه جایز و در برخی موارد غیرجایز است (حلی، بی‌تا، ص ۶۰۹).

مشهور فقها بیع فضولی را صحیح ولی مشروط به اجازه اصیل می‌دانند؛ بنابراین می‌توان گفت در همه مواردی که بیع به غبطه مولی‌علیه نباشد، تصرفی فضولی صورت گرفته است.

- **عقد رهن:** رهن در اصطلاح، عبارت از عقدی است که به موجب آن مالی وثیقه دین قرار گیرد. قانون مدنی در ماده ۷۷۱ می‌گوید: «رهن عقدی است که به موجب آن مدیون مالی را برای وثیقه به داین می‌دهد. رهن‌دهنده را رهن، و طرف دیگر را مرتهن می‌گویند». مالی را که به رهن گذارده می‌شود، مورد رهن، مال مرهون یا عین مرهونه می‌نامند. عقد رهن از جانب رهن لازم است و او حق فسخ آن را ندارد. در عقد رهن نیز متعاقدين باید از اهلیت معامله برخوردار باشند؛ بنابراین طفل یا مجنون یا سفیه نمی‌تواند عقد رهن را منعقد کند.

مشهور فقها معتقدند که ولی می‌تواند مال مولی‌علیه را در صورت مصلحت، رهن دهد و در مقابل مالی را برای رفع نیازمندی‌های وی قرض بگیرد (طوسی، ۱۳۱۷، ج ۲، ص ۲۰۱؛ حلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۷۴). وجود قید مصلحت در اینجا موجب می‌شود در مواردی عقد رهن

از جانب ولی فضولی باشد و مولی‌علیه بعد از رفع حجر بتواند با اثبات خلاف مصلحت بودن این عقد، آن را باطل کند و عین مرهونه را آزاد نماید.

همچنین رهن گرفتن برای مولی‌علیه در صورت وجود مصلحت جایز است و در دو

موضع متصور است:

اول - فروش مال مولی‌علیه به بیع مؤجل و دریافت رهن از مشتری که در این فرض ممکن است قیمت بیع و رهن به صورت فضولی منعقد شود و ممکن است بیع و رهن صحیح واقع شود. هرگاه ولی مالی از اموال مولی‌علیه را که نقد آن صد درهم است، به کسی به همان صد درهم به بیع مؤجل بفروشد و در مقابل از خریدار مالی را رهن بگیرد، این بیع و این رهن گرفتن باطل است و مولی‌علیه پس از حجر می‌تواند معامله و رهن را باطل نماید، زیرا نفعی از این معامله و از این رهن، عاید مولی‌علیه نشده است؛ اما اگر کالای صد درهمی او را به کسی به صد و بیست درهم بفروشد و صد درهم از ثمن آن را نقد بگیرد و بیست درهم آن را مؤجل قرار دهد و به ازای این بیست درهم از خریدار رهن دریافت کند، این بیع و رهن صحیح است، زیرا منفعتی عاید مولی‌علیه شده است (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۰۱).

دوم - قرض دادن مال مولی‌علیه و دریافت رهن: فقها قرض دادن مال مولی‌علیه را جز در مواردی که خوف از بین رفتن مال وجود داشته باشد، جایز نمی‌دانند و در فرض جواز، گرفتن رهن در مقابل قرض را مطرح کرده‌اند و گفته‌اند اگر در چنین فرضی رهن گرفتن برای مولی‌علیه مصلحت داشته باشد، باید رهن گرفته شود و اگر به مصلحت نباشد، ولی نباید رهن بگیرد (همو، حلی، ۱۴۱۳هـ، ج ۲، ص ۱۳۶).

بنابراین می‌توان گفت عقد رهن به تبع عقود نظیر بیع و قرض مطرح می‌شود و وجود مصلحت یا مفسده مالی مترتب بر آن عقود، ضابطه نفوذ یا فضولی بودن عقد رهن خواهد بود.

- **هبه:** هبه مال مولی‌علیه در صورت وجود مصلحت و به شرط معوض بودن، جایز است. یعنی مالی که از مولی‌علیه هبه می‌شود، باید در عوض، نفع بیشتری عاید مولی‌علیه کند. حال اگر ولی مال طفل را به دیگری هبه کند و نفع بیشتری عاید مولی‌علیه نشود و

متهب هبه را قبول نماید، این هبه فضولی خواهد بود و مولی‌علیه پس از حجر می‌تواند هبه را باطل کند و مال موهوب را استرداد نماید (حکّی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۶۱، م ۴۵۹).

**- اجاره:** یکی دیگر از مصادیق تصرفات فضولی، اجاره مال یا عمل مولی‌علیه برای مدتی بیش از دوران حجر اوست؛ بر اساس ماده ۱۱۶۳ قانون مدنی پایان ولایت ولی قهری، کبیر و رشید شدن طفل است. حال اگر ولی قهری مال یا عمل طفل را بنا بر مصلحت وی برای دوران حجر وی اجاره دهد، قرارداد وی نافذ است؛ اما اگر انقضای قرارداد مدتی پس از حجر وی باشد و اجاره نیز به مصلحت وی باشد، به طور قطع این قرارداد درباره دوران طفولیت وی صحیح است؛ ولی درباره دوران بعد از حجر، وی حق اجازه یا رد اجاره را خواهد داشت، زیرا اذن شارع صرفاً شامل تصرفات دوران حجر کودک است. به عبارت دیگر می‌توان گفت این معامله نظیر آن است که کسی مال خود را به ضمیمه مال غیر اجاره دهد؛ بدیهی است که این اجاره درخصوص مال خودش نافذ است، ولی درخصوص مال غیر، فضولی خواهد بود و در صورت عدم اجازه، اجاره باطل و برای طرف معامله، خیار تبعض صفقه ایجاد خواهد شد.

#### ۴- ضمانت اجرای آثار حقوقی مترتب بر تصرفات فضولی ولی

پرسشی که در اینجا قابل طرح است، این است که بر فرض فضولی بودن تصرفات زیان‌بار ولی، چگونه می‌توان از حق محجور در اجازه یا رد این گونه تصرفات حمایت کرد و آیا صرفاً خود محجور می‌تواند از این حق استفاده نماید؟ در پاسخ می‌توان گفت: در همه مواردی که تصرف ولی، فضولی شناخته می‌شود، محجور حق دارد که پس از رشد، معامله را تنفیذ نکند و در صورتی که مال محجور بر اساس این معامله به تصرف غیر در آمده باشد، ضمن آن که حق استرداد آن را دارد، حق دارد منافع استیفا شده و استیفا نشده مال را نیز از طرف مقابل یا از ولی خود مطالبه کند و در صورت تلف مال، مثل یا قیمت آن را مطالبه نماید. این مطلب در قانون مدنی تصریح نشده است؛ ولی به نظر می‌رسد بر اساس مجموع قوانین و آرای فقها سه نوع حمایت در این زمینه قابل فرض است:



اول: هرگاه تصرفات ولی فضولی باشد، محجور می‌تواند پس از رشد و اثبات فضولی بودن تصرفات ولی، از آثار حقوقی مزبور بهره‌مند شود. ضرورت اثبات فضولی بودن تصرفات ولی از آن جهت است که این امر خلاف اصل است، زیرا اصل این است که اقدامات ولی به غبطه مولی‌علیه باشد، مگر آن که تصرف وی از نوع تصرفاتی باشد که به طور معمول به زیان افراد است. پس مدعی خلاف این اصل باید ادعایش را ثابت کند؛ در آن صورت، ولی در جایگاه منکر قرار می‌گیرد.

دوم: تصرفاتی که به طور معمول به زیان افراد است، مانند هبه اموال مولی‌علیه یا به رهن گذاردن اموال او به عنوان وثیقه دین خود یا دیگران و یا وقف نمودن اموال محجور، ظهور در غبطه مولی‌علیه ندارند. قانون مدنی در این گونه موارد نیز استثنایی را در مورد نمایندگی عام ولی قائل نشده است؛ اما چنان که گذشت، در برخی از کتب فقها به ممنوعیت چنین تصرفاتی فتوا داده شده است و از آنجا که به مصلحت بودن این گونه تصرفات خلاف ظاهر است، بار دلیل اثبات به عهده ولی است و محجور می‌تواند پس از حجر، بدون تحمل بار اثبات، از دادگاه بخواهد درباره رد این تصرفات فضولی اعلام رأی نماید تا وی از آثار حقوقی آن برخوردار شود.

سوم: در مواردی که قرآینی از حجر، خیانت یا ناتوانی ولی در اداره اموال و تأمین مصالح مولی‌علیه آشکار شود، در قانون برای جلوگیری از تصرفات فضولی وی، عزل و یا ضم امین به وی پیش‌بینی شده است.

بر اساس ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی: «هرگاه ولی قهری طفل رعایت غبطه صغیر را ننماید و مرتکب اقداماتی شود که موجب ضرر مولی‌علیه گردد، به تقاضای یکی از اقارب وی و یا به در خواست رئیس حوزه قضایی پس از اثبات، دادگاه ولی مذکور را عزل و از تصرف در اموال صغیر منع و برای اداره امور مالی طفل فرد صالحی را به عنوان قیم تعیین می‌نماید».

همچنین اگر ولی قهری به واسطه کبر سن یا بیماری و امثال آن قادر به اداره اموال مولی‌علیه نباشد و شخصی را هم برای این امر تعیین نکند، طبق مقررات این ماده، فردی به عنوان امین به ولی قهری منضم می‌شود (اصلاحی ۱۳۷۹/۲۱).

اما این قانون در مورد تصرفات فضولی که ولی قبل از صدور حکم عزل یا ضم امین انجام داده است، بیانی ندارد. به نظر می‌رسد، رد تصرفات فضولی ولی (که به دلیل خیانت یا ناتوانی در اداره اموال مولی‌علیه صورت گرفته است) صرفاً منحصر به تصمیم مولی‌علیه (پس از سن رشد) نیست؛ بلکه قیم یا امین می‌تواند برای تأمین مصالح محجور، رد تصرفات فضولی پیشین ولی را از دادگاه بخواهد. بر اساس ماده ۱۲۳۵ قانون مدنی: «مواظبت شخص مولی‌علیه و نمایندگی قانونی او در کلیه امور مربوط به اموال و حقوق مالی او با قیم است». و از طرفی ماده ۱۲۳۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «قیم مکلف است قبل از مداخله در امور مالی مولی‌علیه، صورت جامعی از کلیه دارایی او تهیه کرده، یک نسخه از آن را به امضای خود برای دادستانی که مولی‌علیه در حوزه آن سکونت دارد بفرستد و دادستان یا نماینده او باید نسبت به میزان دارایی مولی‌علیه تحقیقات لازمه به عمل آورد». این ماده دو وظیفه برای دادستان معین کرده است: یکی نظارت در صورت تنظیمی از طرف قیم و تطبیق آن با اموال موجود محجور تا آن‌که تمامی دارایی مولی‌علیه صورت‌برداری شود و چیزی از قلم نیفتاده باشد. دیگر تحقیقات لازم از مطلعان درباره میزان دارایی محجور؛ زیرا ممکن است محجور اموالی داشته باشد که دیگران آن را پنهان کرده باشند و قیم از آن آگاه نباشد. بدیهی است مقتضای مواظبت از امور مربوط به اموال کودک این است که قیم در گزارش خود از اموال مولی‌علیه، تصرفات فضولی را هم که در اموال او صورت گرفته است، به اطلاع برساند تا بتواند به حکم دادگاه آن‌ها را استرداد نماید و از تلف مال وی جلوگیری کند.

در هر سه فرض فوق، تصرفات فضولی ولی را می‌توان در معرض رد یا اجازه قرار داد و منافع مولی‌علیه را تأمین کرد؛ گرچه برخی از این موارد در قانون تصریح نشده است.

ضمانت اجرای آثار حقوقی مربوط به تصرفات فضولی، منحصر به منافع مولی‌علیه نیست و حق اجازه و رد مولی‌علیه قابل توریث است و ورثه نیز از این حق بهره‌مندند. قانون مدنی در ماده ۲۵۳، حق اجازه یا رد معامله فضولی را در صورت موت مالک (قبل از اعلام اجازه یا رد) به وارث او عطا کرده است. در مقام تطبیق می‌توان گفت هرگاه ولی

معامله‌ای را خلاف مصلحت مولی‌علیه صورت دهد، معامله‌ای فضولی ترتیب داده است و در صورت فوت کودک قبل از امکان اعلام اجازه یا رد (قبل از بلوغ)، حق وی در امضا یا رد معامله فضولی به ارث می‌رسد. اگر وارث وی صرفاً ولی باشد، این سؤال مطرح می‌شود که آیا ولی حق دارد در این مسأله، معامله‌ای را که خود به طور فضولی منعقد نموده است تنفیذ کند یا رد نماید یا این‌که وی گرچه وارث این حق است، ولی به دلیل آن‌که خود منعقد کننده این عقد بوده است، باید به لوازم آن پای‌بند باشد؟ به نظر می‌رسد مسأله مزبور یکی از مصادیق این بحث فقهی حقوقی است که فضول قبل از اعلام رد یا تنفیذ معامله فضولی مالک مال منتقل شده باشد؛ تمامی احکام مسأله در این‌جا نیز جاری خواهد بود.

همچنین هرگاه وارث طفل، مادر یا یکی از بستگان وی باشد، بر اساس این ماده حق امضا یا رد معامله فضولی مورث خود را خواهد داشت. بنابراین می‌توان گفت فضولی شناخته شدن تصرف ولی صرفاً برای مولی‌علیه ضمانت اجرا ندارد؛ بلکه در صورت فوت وی نیز ورثه می‌توانند درباره اجازه یا رد تصرف فضولی ولی اقدام نمایند و از احکام حقوقی «تصرف فضولی» بهره‌مند شوند.

### یافته‌های پژوهش

با تأمل در دو مبحث معاملات فضولی و ولایت قهری و تحلیل مصادیق مشترک آن دو می‌توان به نتایج زیر اشاره کرد:

۱- هرگاه ولی در اموال مولی‌علیه تصرفی خلاف غبطه او کند، اعم از آن که عقدی را منعقد کند و یا این‌که ایقاعی نظیر اسقاط حق نماید، تصرف وی نافذ نخواهد بود و صحت آن منوط به اذن مولی‌علیه پس از رشد یا منوط به اذن نماینده قانونی است که بدین منظور تعیین می‌شود.

۲- معیارهای نفوذ تصرفات ولی قهری در پاره‌ای از موارد مربوط به شرایط ثبوت ولایت است و با توجه به دیدگاه‌های متعددی که در این زمینه وجود دارد، گستره تصرفات فضولی مشخص می‌گردد. قانون مدنی و دیدگاه‌های حقوقی منعکس‌کننده

تفصیلی که در این خصوص در کتب فقهی آمده است، نمی‌باشند و تکامل علم حقوق در این خصوص مطلوب است.

۳- در فقه، مواردی از تصرفات فضولی ولی مورد تصریح و تحلیل واقع شده است و این موارد اعم از عقود و ایقاعات است.

۴- در صورت خیانت یا کوتاهی ولی در تأمین مصالح مولی‌علیه و انجام تصرف فضولی در اموال او، آثار حقوقی «تصرف فضولی» بر اقدام وی مترتب است و این آثار ممکن است توسط خود مولی‌علیه پس از سن رشد محقق شود و ممکن است توسط نماینده قانونی که به جای ولی یا در کنار ولی به اداره امور مالی او می‌پردازد، مترتب شود.

تصرفات فضولی ولی صرفاً منشأ اثر برای مولی‌علیه نیست؛ بلکه در صورت فوت مولی‌علیه نیز ورثه او از حق اجازه یا رد برخوردار خواهند بود.

۵- در صورت ابطال تصرف فضولی، ولی باید پاسخگوی خسارات مالی حاصله (به مولی‌علیه و همچنین افرادی که طرف معامله بوده‌اند) باشد.

## منابع و مأخذ

- ✓ اردبیلی، احمد بن محمد، *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان* (۱۴ جلد)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳هـ چاپ اول
- ✓ امامی، سید حسن، *حقوق مدنی* (۶ جلد)، تهران، انتشارات اسلامی، بی تا
- ✓ انصاری، مرتضی بن محمد امین، *کتاب المکاسب* (۳ جلد)، قم، منشورات دار الذخائر، ۱۴۱۱هـ چاپ اول
- ✓ بحر العلوم، محمد بن محمد تقی، *بلغه الفقیه* (۴ جلد)، تهران، منشورات مکتبه الصادق، ۱۴۰۳هـ چاپ چهارم
- ✓ بحرانی آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، *الحدائق الناضره فی أحكام العتره الطاهره* (۲۵ جلد)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۵هـ چاپ اول
- ✓ بروجردی، آقا حسین، *جامع أحادیث الشیعۀ*، (۳۱ جلد) تهران، انتشارات فرهنگ سبز، محقق / مصحح: جمعی از محققان، بی تا
- ✓ جبعی عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، *الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه* (۱۰ جلد)، قم، کتابفروشی داورى، ۱۴۱۰هـ چاپ اول
- ✓ حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعۀ*، بی جا، بی تا، بی تا
- ✓ حسینی عاملی، سید جواد بن محمد، *مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه* (۲۳ جلد)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۹هـ چاپ اول
- ✓ حق پناه، رضا، *«گذری بر برخی از آرای فقهی استاد آیت الله معرفت»*، نشریه حقوق، ۱۳۸۶، شماره ۲۶
- ✓ حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر (علامه حلّی)، *تحریر الأحكام الشرعیه علی مذهب الإمامیه* (۲ جلد)، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، بی تا، چاپ اول

- ✓ \_\_\_\_\_ *تذکره الفقهاء* (در یک جلد)، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، بی‌تا، چاپ اول
- ✓ \_\_\_\_\_ *تذکره الفقهاء* (۱۴ جلد)، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، بی‌تا، چاپ اول
- ✓ \_\_\_\_\_ *قواعد الأحكام فی معرفه الحلال و الحرام* (۳ جلد)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳هـ چاپ اول
- ✓ خویی، سید ابو القاسم موسوی، *مصباح الفقاهة*، قم، داوری، ۱۳۷۷، چاپ اول
- ✓ رشتی گیلانی نجفی، میرزا حبیب الله، *کتاب الإجاره* (در یک جلد)، بی‌جا، بی‌تا، بی‌تا
- ✓ شیرازی، قدرت الله؛ انصاری و پژوهشگران مرکز فقهی ائمه اطهار عليهم السلام، *موسوعه أحكام الأطفال و أدلتها* (۴ جلد)، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار عليهم السلام، قم، ۱۴۲۹هـ چاپ اول
- ✓ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، *المبسوط فی فقه الإمامیه* (۸ جلد)، تهران، المكتبة المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷، چاپ سوم
- ✓ \_\_\_\_\_ *النهايه فی مجرد الفقه و الفتاوى* (در یک جلد)، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۰۰هـ چاپ دوم
- ✓ \_\_\_\_\_ *الخلافا* (۶ جلد)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷هـ چاپ اول
- ✓ طبرسی، امین الإسلام فضل بن حسن، *المؤتلف من المختلف بین أئمه السلف* (۲ جلد)، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیه، ۱۴۱۰هـ چاپ اول
- ✓ عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، *اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیه*، در یک جلد، بیروت - لبنان، دار التراث الدار الإسلامیه، اول، ۱۴۱۰ هـ ق
- ✓ عبد الرحمان، محمود، *معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیه* (۳ جلد)، بی‌جا، بی‌تا، بی‌تا

- ✓ کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی خانواده* (۲ جلد)، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۳، چاپ ششم
- ✓ کرکی، علی بن حسین (محقق ثانی)، *جامع المقاصد فی شرح القواعد* (۱۳ جلد)، قم، مؤسسه آل‌الدیوب علیهم‌السلام، ۱۴۱۴هـ، چاپ دوم
- ✓ کیدری، قطب‌الدین، محمد بن حسین، *إصباح الشیعه بمصباح الشریعه*، (۱ جلد)، قم، نشر مؤسسه امام صادق علیه‌السلام، محقق/ مصحح: ابراهیم بهادری مراغی، ۱۴۱۶هـ، چاپ اول
- ✓ مقرئ فیومی، احمد بن محمد بن علی، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا
- ✓ موسوی خمینی، سید روح‌الله (امام خمینی)، *کتاب البیع* (۵ جلد)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، بی‌تا، چاپ اول
- ✓ موسوی خویی، سید ابوالقاسم، *موسوعه الإمام الخوئی* (۳۳ جلد)، قم، مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی، ۱۴۱۸هـ، چاپ اول
- ✓ نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام* (۴۳ جلد)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۵، چاپ هفتم
- ✓ *قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران*

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.